

چرا سینمای پرتره مهم است؟

راهی روشن برای نمایش واقعیت



خود جلب کند و می‌شود گفت که فیلم پرتره در ایران هنوز توانسته پای تماشاگران را به سینما بکشاند. این مسئله دلایل زیادی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عدم تنوع شخصیت‌های مهم در فیلم‌هاست. با وجود اینکه تاریخ ایران سرشار از انسان‌های آزاده و اثرگذار است، اما دست فیلمسازان به آن‌ها نمی‌رسد، ضعف تألیف در آثار کارگردانان مشهود است و نمی‌توانند یک شخصیت مشهور را از فیلتر سینما عبور دهند و غالباً فیلم‌ها برای تماشاگر چیزی را به تصویر می‌کشند که پیش‌تر از آن آگاهی داشته.

جشنواره امسال نسبت به سال‌های قبل، از فیلم‌پرتره‌های بیشتری تشکیل شده است. امسال آثاری همچون «خدای جنگ» با موضوع شهید حسن طهرانی مقدم، «صیاد» با موضوع شهید علی صیاد شیرازی، «پیش‌مرگ» با موضوع شهید سعید قهراری و نهایتاً «آسفند» و «اشک هور» هردو با موضوع شهید علی هاشمی فیلم‌پرتره‌های حاضر در این جشنواره هستند. چیزی که پیداست این است که همچون سال‌های گذشته بخش اعظمی از فیلم‌ها به قهرمانان دفاع مقدس اختصاص دارد. در سال‌های گذشته این آثار چندان کیفیت درخور تحسینی نداشتند اما امیدواریم امسال بتوانیم آثار خوبی را در این ژانر در چهل‌وسومین دوره جشنواره فیلم فجر مشاهده کنیم.

پرتره حاتمى، «کمال‌الملک» است که در سومین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمده است. گرچه امروزه کمال‌الملک به یکی از فیلم‌های مهم این ژانر در تاریخ سینمای ایران بدل شده، اما در جشنواره فجر جایزه‌ای را کسب نکرد. سال‌های بعد از انقلاب، سریال‌های بسیاری به داستان زندگی پیامبران پرداخته‌اند، اما عرصه سینما از چنین آثاری که بتواند در حافظه تماشاگران ماندگار شود، خالی است. موج دوم رونق فیلم پرتره با موفقیت فیلم «چ» در سال ۱۳۹۲ آغاز شد. فیلمی به کارگردانی ابراهیم حاتمى‌کبا که مقطعی از زندگی شهید مصطفی چمران را نمایش می‌داد. سال‌های بعد فیلم‌های «ایستاده در غبار» با موضوع زندگی شهید احمد متوسلیان، «منصور» با موضوع زندگی شهید منصور ستاری، «هناس» با موضوع زندگی شهید داریوش رضایی‌نژاد، «بیرو» با موضوعی زندگی علیرضا بیرواوند و «معجزه پروین» با موضوع زندگی پروین اعضاضمی از جمله فیلم‌پرتره‌های حاضر در جشنواره فجر بودند که توانستند جوایزی را هم به دست بیاورند. نکته امیدوارکننده درخصوص سینمای ایران این است که در سال‌های اخیر فیلمسازان توانسته‌اند هم‌گام با سینمای جهان حرکت کنند و فیلم‌های متعددی را در این ژانر به سینمای ایران عرضه کنند. اما نکته ناامیدکننده این است که هیچ‌کدام از این فیلم‌ها توانست توجه مخاطبان سینما را به

«آندری روبلف» به کارگردانی آندری تارکوفسکی، محصول سال ۱۹۶۶ است که توانست در جشنواره کن جایزه ویژه منتقدان را دریافت کند.

آندری روبلف راهب و نقاش قرن پانزدهمی است که انتخاب می‌شود تا به همراه نقاش و نگارگری یونانی، دیوارهای کلیسای جامع ولادیمیر را نقاشی و رنگ‌آمیزی کند. در همین سال فرد زینه‌مان، کارگردان اتریشی-آمریکایی، به سراغ داستان زندگی تامس مور، حقوقدان، فیلسوف، نویسنده و سیاستمدار انگلیسی دوران رنسانس رفت و توانست گوشه‌ای از زندگی پرافت‌وخیز او را در فیلم «مردی برای تمام فصول» به تصویر بکشد و چندین جایزه اسکار مانند جایزه بهترین کارگردان و بهترین فیلمنامه اقتباسی را برای این فیلم به ار مغان بیاورد. دیگر فیلم مهم ژانر بیوگرافی که به الگویی منسجم و همیشگی برای دیگر کارگردانان بدل شده، فیلم درخشان «پانیست» به کارگردانی رومن پولانسکی است. پانیست روایت زندگی وادیسواف اشپیلمان نوازنده لهستانی است که در جریان جنگ جهانی دوم، خانواده خود را از دست می‌دهد اما می‌تواند به وسیله نواختن پیانو برای یکی از افسران ارتش نازی خود را از خطر مرگ خلاص کند. این فیلم هم به مانند فیلم مردی برای تمام فصول جوایز زیادی را دریافت کرده که از جمله آن‌ها می‌توان به جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد برای آدرین پرودی اشاره کرد. «فهرست شیندلر»،

«مالکوم ایکس»، «آمادئوس»، «سالی» و «آستريد شلن» از فیلم‌های موفق و مورد توجه این ژانر در سال‌های اخیرند. قبل‌تر، بیشتر فیلم پرتره‌ها به داستان شخصیت‌های سیاسی و تاریخی توجه داشت، اما گسترش صنعت سینما و اقبال روزافزون به فیلم‌های بیوگرافی باعث شده تا شخصیت‌های هنری نیز بتوانند به این فیلم‌ها ورود کنند که ازجمله آن‌ها می‌توان به فیلم «الویس» اشاره کرد که به برشی از زندگی الویس پرسلی خواننده سبک‌راک می‌پردازد.

— فیلم پرتره و جایگاه آن در سینمای ایران

فیلم پرتره در سینمای ایران با فیلم کوتاه «فردوسی» ساخته عبدالحسین سپینا آغاز می‌شود. فیلمی که در سه پرده ساخته شده است و سه برهه متفاوت از زندگی شاعر طوس را روایت می‌کند. اما بی‌شک چهره ماندگار سینمای پرتره در ایران، علی حاتمى است. حاتمى اولین فیلم بیوگرافی خود را در سال ۱۳۵۱ ساخت. این فیلم «ستارخان» نام داشت و به زندگی سردار ایرانی و تلاش‌های او در راستای انقلاب مشروطه می‌پرداخت. ستارخان گرچه در نسبت با دیگر آثار این فیلمساز اثر شاخصی به حساب نمی‌آید اما مقدمه ساخت آثار بعدی پرتره‌وار او مانند «حاجی واشنگتن» است. این فیلم داستان زندگی حسینی‌خان صدراسلطنه، اولین سفیر ایران در آمریکااست که نوعی کمدی سیاه محسوب می‌شود و این در نوع خود جالب، و درخور توجه است؛ اینکه کارگردانی بتواند با نگاه به زندگی یکی از شخصیت‌های تاریخی، او را با لحن منحصربه‌فرد خود و از زاویه دید متفاوتی روایت کند. دیگر فیلم

— فیلم پرتره در جهان

تا پیش از سال‌های میانی قرن بیستم، آثار درخشانی در زمینه فیلم پرتره دیده نمی‌شود. با شروع وقایع نگاری از جنگ‌های جهانی اول و دوم توسط بازماندگان، فیلمسازان به این فکر افتادند تا این داستان‌ها را تبدیل به فیلم کنند. یکی از آثار بیوگرافیک و جریان‌ساز که داستان آن مربوط به زمان جنگ جهانی اول است، فیلم «لارنس عربستان» به کارگردانی دیوید لین است. لارنس عربستان داستان زندگی تی.ئی.لارنس افسر ارشد ارتش بریتانیاست که به دلیل داشتن اطلاعات زیاد در باره خاورمیانه، مأمور می‌شود تا به عربستان سفر کند و درباره امکان کمک عربستان به بریتانیا در جریان جنگ تحقیق کند. این فیلم از روی کتاب خاطرات لارنس ساخته شده و در نظرسنجی‌های مختلف به عنوان یکی از آثار مهم تاریخ سینما قلمداد می‌شود. دیگر فیلم پرتره خبرساز در این زمان،

هنرمندان گم‌شده دردل تاریخ جشنواره فیلم فجر– ۵

جایزه‌ای که از دست رفت



احسان زیورعالم خبرنگار گروه فرهنگ

پنجمین دوره جشنواره فیلم فجر، بیشتر همانی بود که منتقدان انتظار داشتند. حضور غول‌ها برای کسب جایزه و شاید تاریخ‌آفرینی بر پرده نقره‌ای، برای یک عمر گپ‌وگفت درباره فیلم‌ها و اثراتشلسان، با «ناخدا خورشید» تقوایی یا «اجاره‌نشین‌ها»ی مهرجویی یا «شیر سنگی» جوزانی و حتی «پرواز در شب» ملاقلی‌پور. همه چیز برای یک دوره رؤیایی مهیا بود. دوره‌ای که به هیچ‌زن جایزه ندادند، حتی به زنان «اجاره‌نشین‌ها» که طنز آفرینند یا حتی زنان «شیر سنگی» که کمی چاشنی کنش مندی و اکشن نسبت به زنان گذشته داشتند. دوره پنجم حتی از کثرت مشاهیر حوزه‌های فنی هم بی‌نظیر بود. یافتن نامی گم‌شده در میانشان سخت و دشوار است؛ اما شاید بتوان یک نام را از میان بیرون کشید. چهره‌ای که نبودنش بی‌شک به فقدان «ناخدا خورشید» و «اجاره‌نشین‌ها» بدل می‌شد و البته در آنجایی که می‌توانست جایزه بهترین فیلمس را از آن خود کند، قافیه را به علیرضا زربین، مدیر وقت کانون پرورش فکری بابت «خانه دوست کجاست» باخت. او کسی نبود جز هارون پشاییی، از معدود تهیه‌کنندگان سینما از جامعه اقلیت مذهبی. هارون ملقب به پرویز پشاییی در شهریور ۱۳۱۴ در خانواده‌ای یهودی، در تهران‌زاده شد. یک ماه پس از تولدش، پدرش مشه حنیم، قصاب آن روزهای محله سرچال، در اثر ابتلا به بیماری کزاز در ۴۴ سالگی دار فانی را وداع گفت تا پشاییی همچون قهرمانان داستان‌های تراژیک رشد کند؛ اما

برخلاف این قهرمانان عمدتاً مختوم به بازار، پشاییی برای کسب تحصیلات عالی، رشته فلسفه و علوم اجتماعی و تحصیل در دانشگاه تهران را دنبال کرد. طبق خاطراتش متأثر از مشاهدات از قفر، گرسنگی و محرومیت‌های حاکم بر زمانه جوانی، وارد فعالیت‌های سیاسی می‌شود و با عضویت در نشریه «بنی‌آدم» به سردبیری لقمان صالح، وابسته به گروهی از یهودیان هم‌راستای با تفکرات حزب توده، به نوعی خود را همسو با چپ‌گرایان آن دهه می‌کند. نتیجه‌اش حضور در تظاهرات خیابانی حزب توده، بازداشت و اسارت تا ماه ۹ در زندان بود.

پس از آغاز تحصیلات دانشگاهی در سال ۱۳۳۹ با کمک جمعی از دوستانش، سازمان دانشجویان به‌پودار تشکیل داد و سریعاً جهت ثبت قانونی آن اقدام کرد. ضمن آنکه مسئولیت فرهنگی نشریه انجمن کلیمیان را عهده‌دار شد. در دوران تحصیلات دانشگاهی هم با عضو شدن در کمیته دانشجویان سیاسی، فعالیت گسترده‌ای را پیگیری کرد. ضمن آنکه بازداشت‌های متعدد، محرومیت‌های تحصیلی با یک وقفه نسبتباً طولانی طی این دوران را برای وی پدید آورد. بالاخره در سالال ۱۳۴۴ موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس در رشته فلسفه از دانشگاه تهران شد.

هارون پشاییی در ۱۹ سالگی با کمک یکی از دوستان هم‌سلولی‌اش جهت امرار معاش شروع به فعالیت‌های تبلیغاتی تجاری و نهایتاً تأسیس یک شرکت در جهت تبلیغات سینمایی کرد. دیری نپایید به واسطه پشتکار و مدیریت صحیح، شخصاً اقدام به سازمان‌دهی تشکیلاتی قوی‌تر در جهت تهیه و توزیع فیلم‌های تبلیغاتی و سپس ایجاد یک استودیوی فیلم‌برداری با نام تبلی

نگاهی به انیمیشن «ژولیت و شاه»

پیمودن مسیر متفاوت

مازیاروکلی خبرنگار

انیمیشن ایران در سال‌های اخیر پیشرفت بسیار زیادی کرده است و موفق شده در بسیاری از موارد از جمله استقبال خلاقانه از سوزه‌های مختلف، داستان‌پردازی و تکنیک‌های انیمیشن‌سازی با نمونه‌های خارجی رقابت کند. همین موضوع در کنار تلاش فراوان کارگردانان حوزه انیمیشن باعث شد تا این صنعت نسبتاً نو پا در سینمای ایران پیشرفت بسیار زیادی داشته باشد. در جشنواره فجر امسال هم چهار انیمیشن حضور دارند که هر کدام ویژگی‌های منحصر به فرد خودشان را دارند. اما به نظر می‌رسد «ژولیت و شاه» در میان این چهار انیمیشن از همه آن‌ها متفاوت‌تر باشد. سوال اصلی اینجااست که «ژولیت و شاه» چه ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر انیمیشن‌های ساخته‌شده در سینمای ایران متمایز می‌کند؟ «ژولیت و شاه» از رویه‌های بزرگسالانه است. داستان این فیلم با آن پس‌زمینه تاریخی و مثلث عشقی پررنگ اصلاً مناسب بچه‌ها نیست و مخاطب اصلی آن

بزرگ‌ترها هستند. اشکان رهگذر با ساخت چنین فیلمی ریسک بسیار زیادی انجام داده است. او می‌توانست مانند سایر انیمیشن‌سازان ایرانی یک سوزه مدیبر بسنسد انتخاب کند و با اضافه کردن چند ترانه و مقداری رنگ و لعاب به آن یک انیمیشن استاندارد تحویل مدیران و مخاطب بدهد که گیشه خوبی هم داشته باشد. اما رهگذر مسیر سخت را انتخاب کرده و سراغ سوزه‌ای رفته که شاید گیشه پررونقی نداشته باشد اما می‌تواند باعث رشد و گسترش صنعت انیمیشن‌سازی ایران در حوزه داستان‌پردازی شود و به تنوع آن کمک کند. نکته دومی که «ژولیت و شاه» را تبدیل به یک انیمیشن متفاوت می‌کند خلاقیت سازندگان این انیمیشن است. از همان تیتراژ ابتدایی مشخص است که رهگذر و تیم همراهش برای ساخت این انیمیشن چقدر زحمت کشیده‌اند و تلاش کرده‌اند ایده‌هایشان را به خلاقانه ترین شکل ممکن اجرا کنند. داستان «ژولیت و شاه» هم پر از ریزه‌کاری‌های منحصربه‌فردی است که تماشاگر را از سر ذوق می‌آورد. از عشق افلاطونی ناصرالدین شاه به «ژولیت» فرانسوی بگیر تا کاراکتر بامزه

و در عین حال ترسناک مهدعلیا و نحوه برخوردش با پسرش شاه ایران همگی نشان‌دهنده جسارت سازندگان این انیمیشن است که کوشیده‌اند محصول متفاوتی به تماشاگر عرضه کنند. برای همین هم است که تماشای فیلم فارغ از کیفیت نهایی اثر یک تجربه منحصر‌به‌فرد و تازه است. همین که تماشاگر ایرانی در سالن سینما با اثری مواجه شده که مثل و ماندنی ندارد یعنی رهگذر و تیم سازنده «ژولیت و شاه» کار خود را به‌درستی انجام داده‌اند.

انیمیشن ایران راه درازی تا به امروز طی کرده و راه درازی هم پیش رو دارد تا به قله موفقیت برسد. برای درست پیمودن این مسیر بیشتر از هر چیز به کارگردانان خلاقی احتیاج دارد که بتوانند با تنوع بخشیدن به مضامین انیمیشن‌های ایرانی این صنعت نو پا را به‌عنوان یک پدیده جدی برای تماشاگران مشتاق داخلی جا بیندازند. این کاری است که رهگذر با ساخت «ژولیت و شاه» انجام می‌دهد و سعی می‌کند با ساخت یک انیمیشن بزرگسالانه پیشنهاد تازه‌ای برای تماشاگران ایرانی داشته باشد.